



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

تاریخ: ۲۰ دی ۱۴۰۲
مصادف با: ۲۷ جمادی الثانی ۱۴۴۵

موضوع جزئی: موضوع شناسی: ۱. پول - تعریف مال - نظر چند تن از فقها - ویژگی های مال - چند نکته -

ویژگی اول

جلسه: ۲۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم پول از جهات مختلف نیازمند بررسی است؛ تا اینجا برخی از جهات مرتبط با پول را بررسی کردیم، هم تعریف و هم سیر تطور آن و هم ماهیت پول را؛ یکی از جهاتی که باید در مورد پول بررسی شود، این است که پول مال است و مالیت دارد یا نه؛ آیا کالا است یا سند است؟ برای این منظور لازم است مقدمتاً مال را تعریف کنیم و ویژگی های آن را بیان کنیم. گفتیم اهل لغت مال را چگونه تعریف می کنند؛ در اصطلاح هم تقریباً متناسب با آنچه که در لغت گفته شده، ویژگی هایی برای مال ذکر کرده اند. عبارات چند تن از فقها درباره این ویژگی ها را نقل کردیم. مرحوم علامه، مرحوم نائینی، امام (ره)، مرحوم ایروانی؛ تفاوت های دیدگاه این چند تن هم معلوم شد. تعداد ویژگی هایی که مثلاً مرحوم نائینی ذکر کرده، با آنچه که امام (ره) فرموده تفاوت دارد و این دو با آنچه مرحوم علامه گفته، فرق می کند؛ مرحوم ایروانی یک ویژگی را ذکر کرد که هیچ کدام از آن بزرگواران بیان نکرده بودند.

ادامه نظر فقها

۵. مرحوم آقای حکیم هم در ضمن عبارتی مالیت را معنا کرده اما از لابه لای این عبارت، ویژگی های مال هم بدست می آید؛ عبارت این است: «المالیه اعتبار عقلائی ناشی عن کون الشیء موضوعاً لغرض موجب لحدوث رغبته الناس فیه»، مالیت یک اعتبار عقلائی است که ناشی از قرار دادن یک چیزی برای یک غرضی است که موجب حدوث رغبت مردم به آن شیء می شود. «علی نحو یتنافسون فیه و یتسابقون الیه، و یتنازعون علیه»، رغبت به گونه ای است که برای بدست آوردن آن، رقابت و مسابقه و تنافس و تنازع دارند؛ «سواء أ کان ذلك لدفع ضروراتهم الأولیة کالأقوات اللازمة أم العرضیة کالأدویة و العقاقیر، أم لتحصیل اللذة کبعض الفواکه و الأشربة»، آنچه که مورد رغبت قرار می گیرد و بر سر آن تنازع و تنافس حاصل می شود، ممکن است مربوط به غذاها و قوت ضروری باشد، ممکن است غیر آن باشد؛ مثلاً از روی اشتها و لذت بخواهند از آن استفاده کنند، هر چند ضروری نیست. «و لا یحصل التنافس بمجرد ذلك، بل لا بد فیه من عزة الوجود»، این تنازع به مجرد رغبت پیش نمی آید بلکه مبتنی بر کمیابی است؛ «فالماء فی الشاطئ لیس مالا، و کذا الحطب فی الغابات، و الرمل فی بعض الصحاری»، آب در رودخانه یا هیزم در جنگل ها یا رمل در صحرا، اینها مال محسوب نمی شود؛ چون عزة الوجود ندارند.^۱ پس به نظر ایشان مال چیزی است که دو ویژگی دارد: ۱. کمیابی؛ ۲. رغبت. اگر چیزی کمیاب باشد و مردم به آن رغبت داشته

۱. نهج الفقاها، ص ۲۲۵.

باشند، مال محسوب می‌شود. ما ان شاء الله اینها را جمع‌بندی خواهیم کرد.

۶. مرحوم آقای خوبی چهار ویژگی برای مال ذکر کرده است: یکی اینکه مردم نسبت به آن رغبت و تمایل و کشش داشته باشند. دیگر اینکه آن را برای استفاده در وقت حاجت ذخیره کنند. سوم اینکه برای بدست آوردن آن با هم رقابت کنند. چهارم اینکه به ازاء آن، چیزی که خودش مورد رغبت است بپردازند.

این چهار ویژگی را ایشان برای مال ذکر کرده است. رغبت را متعرض شده؛ اینکه به ازاء آن یک چیزی پرداخت شود، این را هم فرموده است؛ این همان دو ویژگی است که امام(ره) هم فرموده بودند که مال باید چیزی باشد که عقلاً به آن رغبت دارند و معه یندل بازائه الثمن، با این حال حاضر باشند که در مقابل آن ثمن بپردازند؛ چون ممکن است چیزی مرغوب‌تر باشد اما برای آن ثمن نپردازند. این دو ویژگی در کلام امام(ره) هم بود؛ اما ایشان دو ویژگی دیگر هم اضافه کرده است: یکی اینکه برای بدست آوردن آن با هم رقابت کنند و نسبت به آن تمایل داشته باشند و دیگر آنکه برای استفاده در وقت حاجت آن را ذخیره کنند.

۷. مرحوم شهید مطهری سه ویژگی برای مال بیان کرده و می‌گوید: مال چیزی است که اولاً مورد نیاز و احتیاج باشد؛ ثانیاً فراوان نباشد، چون اگر فراوان باشد دیگر رغبتی به آن نیست؛ سوم اینکه قابل اختصاص باشد، یعنی بتواند انتساب به یک شخص پیدا کند و یک کسی آن را اختصاص به خودش بدهد؛ چون چیزی ممکن است خیلی هم با ارزش باشد و رغبت به سوی آن باشد و مورد نیاز هم باشد، خیلی فراوان هم نباشد، اما قابل اختصاص نباشد.^۱

جمع‌بندی

اگر یک مقایسه اجمالی بین این عبارات درباره ویژگی‌های مال شود، تفاوت‌ها کاملاً روشن و آشکار است؛ یعنی برخی ویژگی‌ها در همه این عبارات وجود دارد، حالا با تعابیر مختلف. مثلاً مرغوب بودن نزد مردم، اینکه رغبت به آن داشته باشند، این یک چیزی است که تقریباً در همه این تعاریف‌ها گفته شده است؛ و اینکه حاضر باشند به ازاء آن، مال بپردازند. البته بعضی هم این ویژگی را نگفته‌اند و شاید عدم ذکر آن به جهت وضوح بوده، ولی متعرض نشده‌اند و این را بیان نکرده‌اند. مثلاً ملاحظه فرمودید مرحوم ایروانی گفته بود مال چیزی است که مردم برای امور دنیوی و اخروی به آن نیازمند باشند و دیگر اینکه بدون کار و تلاش و اعمال نسبتاً شاق قابل تحصیل نباشد و دیگر ماییدل بازائه المال یا بازائه الثمن را نگفته‌اند.

به هر حال تقریباً هفت عبارت از بزرگان درباره ویژگی‌های مال ذکر کردیم. اگر بخواهیم یک ارزیابی داشته باشیم و جمع‌بندی کنیم، به نظر می‌رسد این ویژگی‌ها قابل تقلیل به دو یا سه مورد است؛ یا ممکن است بعضی از ویژگی‌ها ذکر نشده باشد؛ یعنی مواردی باید اضافه شود.

ویژگی‌های مال

قبل از اینکه به ارزیابی این ویژگی‌ها بپردازیم، چند نکته را من خدمت شما عرض می‌کنم؛ این نکات از لابه‌لای مطالب گذشته بعضاً قابل استفاده است.

چند نکته

نکته اول: اینکه مال در ادله شرعیه به معنای خاصی غیر از آنچه که در عرف و لغت آمده، نیست؛ هر جا در یک دلیل شرعی

۱. مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۴۴۰.

مال به عنوان موضوع حکم واقع شده، معنایش همان است که در لغت و عرف ذکر شده است؛ به عبارت دیگر یک اصطلاح خاص یا دارای حقیقت شرعی نیست. مثل بیع، وقتی می‌گوید احل الله البیع ای مایکون بیع عرفاً، چیزی که از نظر عرف بیع شناخته می‌شود.

نکته دوم: دخالت شارع در تعریف مال و اخراج بعضی از مصادیق از دایره مال مثل مشروبات الکلی، آلات قمار، خمر، خنزیر و امثال آن، به معنای وجود یک اصطلاح خاص نزد شارع نیست؛ شارع تنها بعضی محدودیت‌ها در امر مال ایجاد کرده و مثلاً فرموده این موارد محترم نیستند؛ یعنی کأن حکماً مال شمرده نمی‌شوند. این به معنای تصرف و جعل یک اصطلاح جدید در مال نیست؛ مثل منع شارع از بیع ربوی؛ حالا اگر شارع گفت احل الله البیع و حرّم الرباء و بیع ربوی را حرام کرد، این معنایش آن است که یک اصطلاح خاصی در این واژه دارد؟ خیر، بلکه این کار در حقیقت ذکر بعضی از قیود و اخراج بعضی از مصادیق از دایره بیع مشروع و محترم است؛ در مال هم همین اتفاق افتاده است. اینکه مثل خمر و خنزیر و آلات قمار از دایره مال خارج شده‌اند، این بدین معنا نیست که مثلاً شارع یک اصطلاحی برای مال جعل کرده است؛ لذا ما نمی‌توانیم بگوییم المال علی قسمین، عرفی و شرعی؛ مال یک قسم بیشتر ندارد.

نکته سوم: با همه تغییرات و تطوراتی که در مبادلات و معاملات مردم پیش آمده، اما حقیقت مال تغییر نکرده است؛ یعنی اینطور نیست که مثلاً مال امروزه یک معنایی داشته باشد و در گذشته معنای دیگری داشته است. از همان زمان پیامبر(ص) و آغاز اسلام، مال مفهوماً همان معنایی را دارد که در لغت و عرف بیان شده و همان موضوع ادله قرار گرفته و تمام این تغییراتی که در مبادلات مردم پیش آمده، اثری در تغییر هویت و ماهیت مال ایجاد نکرده است. بله، یک مسأله ممکن است اتفاق افتاده باشد و آن هم اخراج یا ادخال بعضی از مصادیق در طول زمان در دایره مال است؛ اگر ما یک ویژگی‌هایی را برای مال به رسمیت شناختیم، قهراً هر جا این ویژگی‌ها وجود داشت، بر آن اطلاق مال می‌شود و هر جا این ویژگی‌ها نبود، اطلاق مال نمی‌شود. مثلاً یکی از جهاتی که در طول زمان تغییر می‌کند، نیازها و رغبت‌های مردم است، کمیابی یا فراوانی؛ بالاخره این تغییرات اثر می‌گذارد؛ مثلاً ممکن است یک چیزی در گذشته مورد احتیاج مردم بوده و رغبت به آن وجود داشته، ولی امروز دیگر مورد احتیاج نیست و رغبتی به آن احساس نمی‌شود. طبیعتاً وجود و عدم این ویژگی در سعه و ضیق دایره مصادیق مال اثر می‌گذارد، اما در معنا و مفهوم هیچ تأثیری ندارد.

نکته چهارم: مال به طور کلی در زندگی اجتماعی معنا پیدا می‌کند؛ من این را نمی‌خواهم به عنوان ویژگی ذکر کنم، بلکه عرض می‌کنم که با ملاحظه این نکات باید ویژگی‌ها را بیان کرد. منظور از زندگی اجتماعی یعنی تعامل و ارتباط بین نوع بشر؛ یعنی یک اجتماعی حداقلی از انسان‌ها باید باشد تا مال تحقق پیدا کند؛ اگر اجتماع انسانی نباشد، معلوم نیست ما بتوانیم بگوییم چیزی به نام مال داریم. یک نفر که فرضاً تنها زندگی می‌کند و هیچ ارتباطی با هیچ کسی ندارد یا فرض کنیم در روی کره زمین جز این یک نفر حضور ندارد، آیا اینجا می‌توانیم بگوییم این مال هست؟ آن ویژگی‌های حداقلی که گفتیم، مثل رغبت عقلاً معنا دارد؟ آیا اینجا بیدل بازائه الثمن معنا دارد؟ آیا اینجا فراوانی و غیر فراوانی تأثیری دارد؟ جایی که تعامل و تبادل نباشد، یعنی هیچ کسی نباشد و فقط یک نفر باشد، دیگر نه تنازعی وجود دارد علی بعض المبانی، و نه رغبت؛ بله، نیاز وجود دارد؛ آدم به هوا نیاز دارد، ولی آیا کسی به هوا مال می‌گوید؟ به آب و به خیلی چیزها نیاز دارد، اما هر چیزی که مورد نیاز

بود، لزوماً مال نیست. بنابراین ما باید این امور را در بررسی مال و ویژگی‌های آن لحاظ کنیم.

سؤال:

استاد: حفظ درست است، اما فرض ما این است که هیچ کسی نیست ... چرا می‌خواهد این را حفظ کند؟ چون به آن نیاز دارد؛ اما آیا هر چیزی که مورد نیاز بود، مال است؟ ما می‌خواهیم ببینیم عنوان مال بر آن اطلاق می‌شود یا نه. بله، نیاز دارد، به غذا نیاز دارد و اگر این غذا را نخورد می‌میرد؛ ما که نمی‌گوییم نیاز ندارد؛ به غذا و آب نیاز دارد. الان این آقا به آب نیاز دارد و در کنار رودخانه هم زندگی می‌کند، و چون نیاز به آب دارد، ولو یک ظرف آب در کنار خودش گذاشته، ولی این آقا سبب می‌شود عنوان مال بر این شیء اطلاق شود؟ صرف نیاز سبب نمی‌شود که ما بگوییم این عنوان مال پیدا می‌کند. هر چیزی که ملک باشد لزوماً مال نیست؛ مثلاً یک نصف دانه گندم ملک شماست اما مال محسوب نمی‌شود، چون هیچ کدام از این ویژگی‌ها را ندارد؛ چون نه به آن نیاز دارید، نه بیدل بازائه الثمن، نه رغبتی به آن هست؛ بله، مورچه‌ها بر سر آن تنازع می‌کنند اما انسان‌ها تنازع نمی‌کنند. لذا هیچ کدام از ویژگی‌های مال را ندارد؛ یعنی شما علی جمیع المبانی که نگاه کنید، این مال نیست ولی ملک هست. همین که مال نیست را کسی حق ندارد ببرد؛ ملک شما هست اما مال محسوب نمی‌شود. حالا حق اختصاص هم تازه داریم، فرض کنید یک کسی یک گودالی در گوشه‌ای ایجاد کرده برای خودش که آب رودخانه در آن جمع شود، اینجا حق اختصاص دارد، اما اختصاص و اولویت به دنبال ندارد؛ بین اختصاص و اولویت و مالیت ملازمه نیست؛ یعنی یک چیزی ممکن است حتی ملک کسی نباشد و فقط یک اولویتی نسبت به آن داشته باشد، ولی نه مال باشد و نه ملک بلکه تنها اولویت است.

ما حداقل هفت عبارت را خواندیم، از یک نگاه حداقلی تا یک نگاه حداکثری؛ کسانی که فقط یک ویژگی ذکر کرده‌اند و کسانی که چهار یا پنج ویژگی برای مال گفته‌اند. البته من نمی‌خواهم عرض کنم کسی که یک ویژگی گفته، به معنای نفی سایر ویژگی‌هاست. ممکن است ویژگی‌های دیگر را مفروض عینه دانسته یا در مقام ذکر آن نبوده؛ حالا هر چه بوده، عدم ذکر بعضی از این ویژگی‌ها اشکال دارد. واقع این است که ما اگر بخواهیم در مقام تعریف مال و بیان ویژگی‌های آن فقط به یک ویژگی بسنده کنیم، این درست نیست؛ بگوییم مال چیزی است که منفعت دارد، مثل آن چیزی که مرحوم علامه گفته است، این کفایت نمی‌کند. یا مثلاً ذکر برخی ویژگی‌ها غیر ضروری است؛ اینکه بگوییم مال چیزی است که مردم به آن رغبت داشته باشند و کمیاب باشد؛ آیا ذکر این دو لازم است یا یکی از این دو ما را از دیگری بی‌نیاز می‌کند؟ برخی از این ویژگی‌ها که در عبارات برخی از آقایان ذکر شده، معلوم است در مقام توضیح و تبیین بیشتر این مفهوم بوده و الا اگر غرض، بیان ویژگی‌های جامع و مانع مال بود یا می‌خواستند تعریف و مختصاتی را برای مال ذکر کنند که اطراد و انعکاس داشت، شاید اینطور بیان نمی‌کردند. با ملاحظه این نکاتی که عرض کردیم، می‌توانیم چند ویژگی برای مال ذکر کنیم.

ویژگی اول

ویژگی اول همان است که امام گفتند؛ اینکه عقلاً به آن رغبت داشته باشند. رغبت عقلاً بر یک پایه‌ای استوار است؛ اگر چیزی منفعت نداشته باشد، عقلاً به آن رغبت دارند؟ قطعاً اینطور نیست؛ رغبت عقلاً بر اساس منفعتی است که در آن شیء می‌بینند، یا خصوصیت و خاصیت؛ آن دو عنصری که در عبارت مرحوم نائینی هم بود. یا مثلاً کمیابی که به عنوان یک ویژگی دیگر ذکر

شده بود، آیا این در دل ویژگی مرغوب‌الیه بودن پنهان نیست؟ به نظر می‌رسد وقتی می‌گوییم مال چیزی است که رغبت به سوی آن وجود دارد، رغبت هم که می‌گوییم منظور رغبت عقلاست، یعنی نوع مردم به آن رغبت دارند، یک رغبت عقلایی نسبت به آن وجود دارد. اگر این ویژگی را ذکر کنیم، دیگر لازم نیست بگوییم یک ویژگی مال این است که منفعت داشته باشد؛ چون چیزی که منفعت نداشته باشد، عقلاً به آن رغبت ندارند. یا مثلاً اینکه چیزی یک اثر باقیمانده از اجدادش است، این هیچ منفعتی ندارد، اما خاصیت دارد. اگر هیچ یک از این دو عنصر در چیزی نباشد، به طور کلی رغبت از بین می‌رود. پس این ویژگی ما را بی‌نیاز می‌کند از ذکر منفعت یا خاصیت.

دوم، کمیابی؛ اینکه گفته‌اند عزیز الوجود باشد، لذا چیزی که در دسترس همگان بوده یا فراوانی داشته باشد، مال نیست. در حالی که رغبت عقلایی ما را از این ویژگی بی‌نیاز می‌کند. هوا مورد نیاز است، کمیاب نیست؛ رغبت عقلایی به این معنا در آنجا وجود ندارد. آب در کنار رودخانه، الماء فی جنب الانهار، کمیاب نیست، عزیز الوجود نیست، لذا مال محسوب نمی‌شود و هیچ کسی نمی‌گوید این مال است. اگر یک چیزی اینگونه بود، آیا رغبت عقلایی به سوی آن هست؟ بله، ممکن است بگویید نیاز دارند و رغبت عقلایی هست، اما حاضر نیستند بابت آن پول بدهند؛ ویژگی دوم را که می‌آوریم، این را خارج می‌کنیم. به هر حال کمیابی، یا با رغبت عقلایی کنار می‌رود یا با پرداخت ثمن؛ بنابراین این ویژگی هم نیاز نیست. پس تا اینجا یک ویژگی گفتیم و آن اینکه مرغوب‌الیه باشد و رغبت عقلایی به سوی آن وجود داشته باشد. چند ویژگی دیگر باقی مانده؛ بالاخره باید ببینیم تا چقدر حد می‌توانیم این ویژگی‌ها را فشرده و محدود کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»